



پنجاه سال نقد ادبیات کودک سال ۱۳۶۱

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سیدعلی کاشفی خوانساری

هم دو شماره منتشر شد، اما دیگر ربطی به مباحث نظری نداشت. شماره پنج آن، ویژه جنگ بود و شماره شش، ویژه کودکان یتیم و بعد هم تعطیل شد. ظاهراً فشار امور تربیتی، باعث تعطیلی این گاهنامه شد. علت نارضایتی امور تربیتی، عدم مخالفت صریح این جنگ با گروهک‌های ضدانقلاب و نویسندگان مخالف نظام بود (حکیمی از سال قبل، مسئولیت مجلات پیک را هم از دست داده بود و در این سال، رحماندوست، سری جدید این نشریات را با نام «رشد» راه‌اندازی کرد).

بودند (درباره ایرانیان خارج از کشور، جداگانه صحبت خواهد شد.) مجلات و کتاب‌های نقد هم کم‌تر تولید شد. نیروهای، مذهبی و موافق حاکمیت که کم‌تر رقیبی می‌دیدند، از بحث‌های تئوریک دست برداشتند و به تولید ادبی پرداختند. تعداد زیادی از نویسندگان هم راهی جبهه‌ها شدند.

در سال ۱۳۶۱، نشریه تخصصی ادبیات کودک نداشتیم. فقط گزارش شورای کتاب کودک بود که منتشر شد؛ آن هم نه چهار شماره که دو شماره. «کتاب کودک و نوجوان» حکیمی

سال ۱۳۶۱ نیز سال جنگ بود. اخراج یک صد هزار ایرانی الاصل از عراق، عملیات متعدد نظامی، آزادی خرمشهر، عقب نشینی عراق تا مرزها، تلاش‌های مکرر اما ناموفق بین‌المللی برای صلح، ادامه ترورها و اعدام‌ها، فرمان ۸ ماده‌ای امام درباره «منع اقدامات تندروانه، تفتیش عقاید و شکنجه»، از مهم‌ترین اتفاقات سال بود.

سال ۱۳۶۱ سال فعالی برای ادبیات کودک نبود. از نویسندگان روشنفکر و چپ، دیگر اثری نمانده بود و بیشتر آن‌ها از ایران مهاجرت کرده

مرکز بررسی آثار کانون، در اسفند ماه اشاره کرد. چند مطلب هم درباره خانه هنر و ادبیات، در این سال منتشر شد. «ادبیات بی‌سرپرستی کودکان»، در مجله جوانان امروز، در آذرماه، خانه سرپناهی برای ادبیات کودک، در مجله زن روز، در همان ماه و مصاحبه با وحید نیکخواه، مسئول خانه، در روزنامه کیهان، مورخ ۶۱/۸/۲۲ به چاپ رسید.

تنها کتاب مستقل سال، درباره ادبیات کودک، «نقش کتاب‌های کودکان در همسازی کودکان معلول با جریان زندگی روزمره» بود که توسط ثریا قزل ایاغ، ترجمه شد و از سوی شورای کتاب کودک منتشر گردید.

این کتاب، اولین کتاب ترجمه درباره ادبیات کودک، در سال‌های پس از انقلاب بود. نویسنده کتاب، «توردیس اورجاستر»، استاد دانشگاه در نروژ، این کتاب را برای یونسکو نوشت که در سال ۱۹۸۱، به مناسبت سال جهانی معلولان منتشر شد. ترجمه کتاب، دو سال بعد، در ایران صورت گرفت. تازگی کتاب و مسئله کودکان معلول ناشی از جنگ، به اهمیت این ترجمه می‌افزود. در این کتاب، درباره کتاب‌های بریل، کتاب‌های گویا، کتاب‌های لمسی، کتاب‌های با حروف درشت، کتاب‌های با زبان اشاره، کتاب‌های تصویری مخصوص کودکان که دیر زبان باز می‌کنند، کتاب‌های آسان و تصویر کودکان معلول در سایر کتاب‌ها بحث شده است. در این سال، کانون پرورش فکری کودکان، کتاب «فن تلخیص کتاب» را منتشر کرد. این کتاب، شش ماه بعد به چاپ دوم رسید. گرچه روی جلد آن، گروه‌های سنی د و ه مخاطبان کتاب ذکر شده‌اند، مقدمه خطاب به کتابداران مدارس و کتابخانه‌های کانون است.

مفهوم، هدف و انواع تلخیص، ضرورت و فایده تلخیص، اصول و مهارت‌های تلخیص، روش و مراحل عملی تلخیص، و ارایه نمونه‌ها، فصول مختلف این کتاب را تشکیل می‌دهد.

حوزه هنر و اندیشه اسلامی که چندی پس از تأسیس، زیر نظر مدرسه شهید مطهری قرار گرفته بود و با سرپرستی امیرحسین فردی و محسن مخملباف، اداره می‌شد، در این سال، تحت نظر سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت و به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تبدیل شد. مدت کوتاهی، تخت کشیان، سرپرست حوزه بود و سپس، حجة الاسلام محمدعلی زم، قائم مقام سازمان تبلیغات، به ریاست حوزه هنری منصوب شد.

کتاب کودک، در سال ۶۱، شامل سه مقاله طولانی درباره فعالیت بیست ساله شورا است. مقاله اول را نوش آفرین انصاری، با عنوان «شورا در رابطه با تولید و توزیع خواندنی‌های کودکان و نوجوانان» نوشته است. مقاله دوم که به بحث نقد ربط دارد، نام نویسنده ندارد، اما عنوان آن چنین است، «شورا در رابطه با بررسی خواندنی‌های کودکان و نوجوانان» و مقاله سوم، با عنوان «شورا در رابطه با ترویج کتاب و کتابخوانی»، نوشته ثریا قزل ایاغ است.

از نکات قابل توجه در گزارش شورا در این سال، تأکید چند باره بر صلح و انتقاد از جنگ در بخش‌های مختلف است.

در سال ۶۱ یک ویژه‌نامه درباره ادبیات کودک منتشر شد. نشریه پیام یونسکو، شماره ۱۴۷، مورخ تیر ۶۱ را به این موضوع اختصاص داد. مطابق سیاق این نشریه، تمام مقالات آن ترجمه بود. مقالاتی درباره هاگلبری فین، آلیس در سرزمین عجایب، پینوکیو، قصه‌های کودکان در روسیه، داستان‌های شگفت‌انگیز، ادبیات کودک در آفریقا، ادبیات کودک اعراب، ادبیات کودک هند و چند مطلب دیگر، از جمله مطالب این ویژه‌نامه است.

در میان نشریات فرهنگی، کم‌تر مقاله‌ای درباره ادبیات کودک، در این سال یافتیم. مقاله «مطالعه مستقل یا انفرادی، در رشد معلم، شماره ۳، از معدود مقالات موجود است. مقاله دیگر، نقد کتاب ساداکو، توسط امیر لواسانی در فصلنامه هنر بود.

در میان نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، گاهنامه سوره بچه‌های مسجد، با ندهایی از ابراهیم حسن‌بیگی، سرو و نقی سلیمانی قابل ذکر است. همین‌طور، نشریه‌ای با نام «شکوفه‌های قلم»، که از سوی کانون پرورش فکری خراسان منتشر شد و در آن مقالات آموزشی، معرفی کتاب و نقد دیده می‌شد.

در روزنامه‌ها ظاهراً بیشترین سهم را کیهان داشت. «نارسایی‌های فعلی ادبیات کودک در ایران چیست»، طی دو شماره در فروردین و نحوه همکاری کانون با آموزش و پرورش، در همان ماه چاپ شد.

روزنامه اطلاعات، مصاحبه با مدیرعامل کانون را در آخرین ماه سال و آزادگان، گفت‌وگو با مسئولان کانون را در تاریخ ۲/۲۳ چاپ کرد. از مطالب سایر مجله‌ها می‌توان به مقاله مجله مکتب اسلام، درباره کتابخانه‌های مدارس، در شماره تیرماه و مطلب زن روز، درباره

شورای کتاب کودک، در این سال ۲۰ ساله شد. به این مناسبت، کتابچه‌ای با ترجمه ثریا قزل ایاغ، منتشر شد و یکی از دو شماره منتشر شده گزارش شورای کتاب کودک، به این موضوع اختصاص پیدا کرد. در اولین شماره گزارش شورا، از انتشار نشریه داخلی فرهنگنامه باخبر می‌شویم. هم چنین، چکیده نظریات طرح شده در یک میزگرد، درباره نقد ادبیات کودک در این شماره درج شده است. نام شرکت‌کنندگان در میزگرد، ذکر نشده است! بخش‌هایی از این چکیده را نقل می‌کنیم:

«... بین نویسنده آثار کودکان، جامعه و موضوع او کودک، رابطه مثلثی‌وار وجود دارد... تشخیص تفاوت عمده‌ای که بین نوشته‌ای برای بزرگسالان و نوشته برای کودکان وجود دارد و مطالعه این که تخیل، حادثه، کشش، محتوا و غیره تا چه حد توانسته پیام را به ذهن کودک برساند، می‌تواند آغاز نقد ادبیات کودکان باشد.

... منظور ما در این جا تنها ادبیات نیست، بلکه مجموع خواندنی‌های کودکان مورد نظر است... هدف ادبیات کودکان چیست؟ وقتی هدف‌های متعددی وجود دارد، مسائل و معیارهای متعددی هم مطرح است... معیار سنجش کتاب‌هایی که نصیحت می‌کنند، با معیار سنجش کتاب‌هایی که به پرورش اندیشه، قدرت تشخیص و اندیشیدن توجه دارند، تفاوت دارد... سابقه خواندنی‌های کودکان در ایران، از حدود نیم قرن بیشتر نیست. ترجمه بسیاری از بهترین آثار خارجی، توقع خواننده از نویسنده را بالا برده... در مورد نقد هر اثری... باید به چهار عنصر توجه کرد: کمیت، کیفیت، زمان و مکان... ما بچه به معنای عام نداریم و هیچ کتابی هم نمی‌تواند برای همه کودکان، در همه جا و همه وقت، مفید باشد. کار منتقد، نقد محتوایی آثار کودکان، برای نشان دادن این ویژگی‌هاست.

... منتقد، مشوق نویسندگان جوان است... چون آسیب‌پذیری کودک به مراتب از بزرگسال بیشتر است، به نظر من وظیفه مهم یک منتقد نخست آگاه کردن خواننده، سپس راهنمایی نویسنده است...»

در پایان گزارش بررسی کتاب‌های سال، چنین نتیجه‌گیری شده است: «می‌توان از نزول کمی و صعود کیفی کتاب‌های کودکان و نوجوانان سخن گفت.»
دومین شماره منتشر شده از گزارش شورای